

آیت‌الله میلانی را بهتر بشناسید

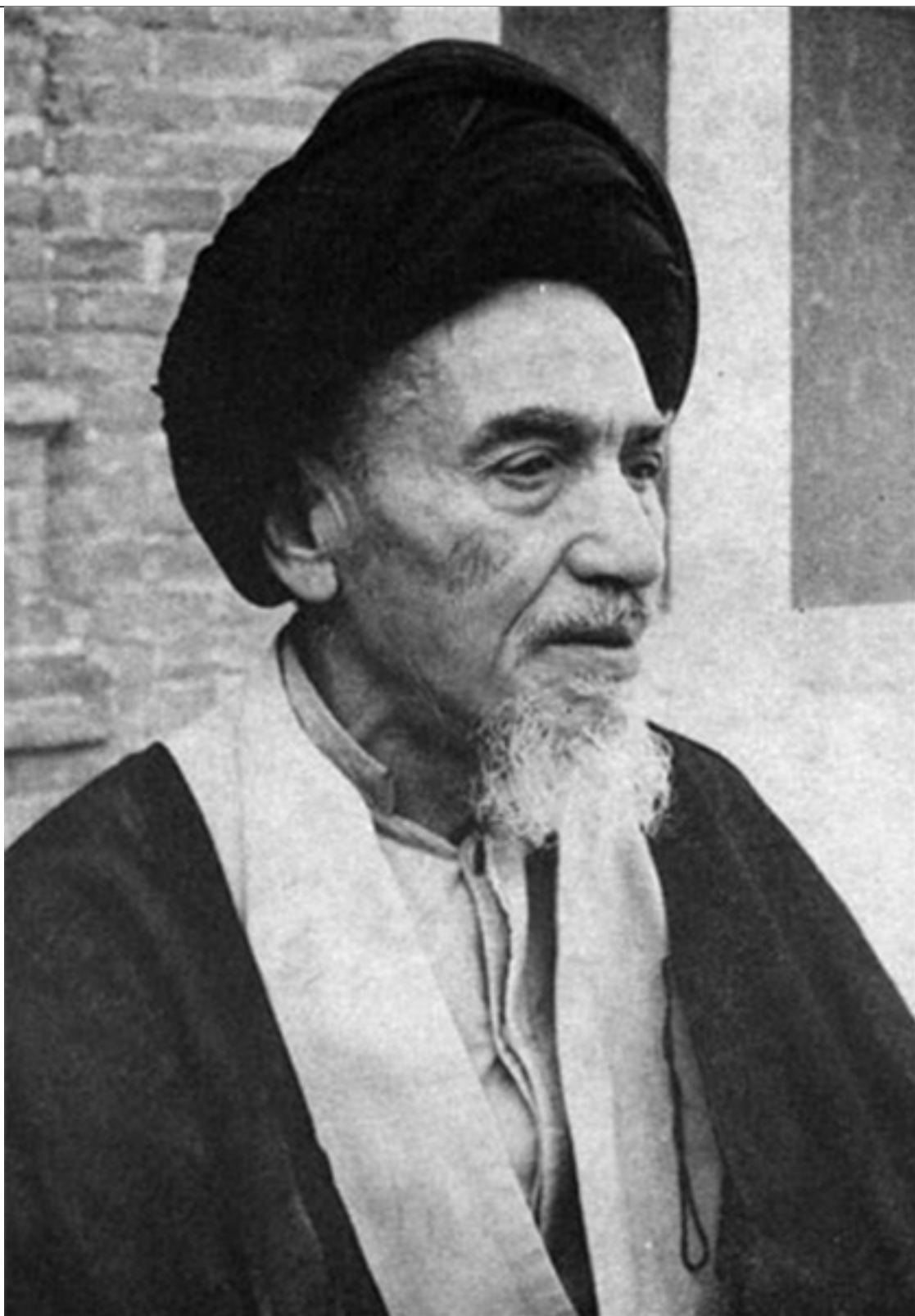
۱۵ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۱۶

آیت‌الله میلانی زعیم حوزه علمیه مشهد پس از امام دومین نفری بود که با قدرت وارد میدان مبارزه با شاه شد.

آیت‌الله محمدهادی میلانی در ۱۲۶۲ ش متولد و در ۱۷ مرداد ۵۴ دار فانی را وداع کرد.

آیت‌الله میلانی که در فقه و تدریس شهرت داشت، از سال ۱۳۳۰ به مشهد آمد. عملاً حوزه مشهد را وارد مرحله تازه‌ای کرد و به آن رونق بخشید.

زمانی که جریان قم آغاز شد آیت‌الله میلانی با قدرت وارد میدان مبارزه با شاه شد و چنان که از اسناد و مدارک برجای مانده آشکار است، در برخوردهای مبارزاتی و موضع‌گیری‌های سیاسی پس از امام نفر دوم به حساب می‌آمد.



امام مشتاق بود تا آیت‌الله میلانی به قم بیاید. به نقل از شیخ علی تهرانی، وی و آقای هاشمی رفسنجانی از طرف امام مأموریت یافتند تا این پیشنهاد را با ایشان در میان بگذارند اما آیت‌الله میلانی رها کردن حوزه مشهد را که به دست او رونقی یافته بود، به مصلحت ندانست.



پس از دستگیری امام، آقای محمد هاشمیان رفسنجانی طی نامه‌ای که به آیت‌الله میلانی نوشته، از وضعیت متشنج قم و اظهار علاقه فضلالی انقلابی قم برای درخواست از ایشان برای آمدن به قم سخن گفته، می‌نویسند: ما سرپرست نداریم، حضرت‌عالی اگر برای همیشه هم حاضر نیستید به قم بیایید تا موقعی که حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی از چنگال یزیدیان نجات یابند در قم، حوزه را حفظ فرموده و نگذارید این کانون تشیع از هم بپاشد.



دانش فقهی و توان وی در تعلیم و تربیت شاگردان نیز رتبتی خاص برای وی به وجود آورده بود. نفوذ او در خراسان بسیار نیرومند بود، آنچنان که برخی از شاعران معاصر او را سلطان بی تاج و تخت نامیده بودند. در مسائل سیاسی، صراحت او در برخورد با مسائل، تعبیر تند و کوبنده و حساسیت او روی مسائل مختلف سیاسی، در سراسر اعلامیه‌هایی که از وی انتشار یافته، آشکار است. وی محور مبارزات مشهد بود. البته در همان زمان وی در مشهد از میان روحانیون مخالفان فراوانی (مانند شماری از معارفی‌ها، میرزا احمد کفایی، حاج میرزا حسین فقیه سبزواری و غیره) داشت، اما به دلیل موقعیت علمی استوار او کسی تاب مخالفت جدی با او را نداشت. در واقع تحولات خرداد ۴۲ سبب شد تا موقعیت آیات میلانی و قمی افزوده شده و موقعیت آیت‌الله فقیه سبزواری و کفایی در درجه سوم قرار گیرد. در یک گزارش از ساواک آمده است: «پس از جریانات دو سال اخیر آیات‌الله کفایی و فقیه سبزواری تقریباً در درجه سوم از نظر مردم قرار گرفته‌اند؛ به طوری که منزل آیت‌الله کفایی که همیشه مورد مراجعه مردم بود، امروز شبانه روز ۲۰ نفر مراجعه می‌کنند... آیت‌الله شاهرودی که نماز او در مشهد اول نماز از لحاظ جمعیت بود، اخیراً مشاهده گردیده در نماز مغرب بیش از ۳ الی ۵ نفر پشت سر او نماز نمی‌خوانند».



آیت‌الله میلانی فعالیت سیاسی خود را محدود به مشهد نکرد بلکه فعالانه در بیشتر قضایای مهم سیاسی این دوره شرکت داشت. ساواک روی وی حساسیت زیادی داشت و از ملاقات‌های او با دیگران سخت مراقبت می‌کرد. در این مدت، از بسیاری از شهرها، نامه‌هایی برای آیت‌الله میلانی فرستاده شده و در غیاب امام، از ایشان کسب تکلیف می‌کردند. در جریان دستگیری امام در خرداد ۴۲، زمانی که بیشتر علمای شهرستانها به تهران آمدند، آیت‌الله میلانی به رغم آن که یک بار هواپیمای حامل ایشان را از میان راه به مشهد بازگرداندند، بار دیگر عازم تهران شدند و رهبری فعالیت مراجع و علما را برای آزادی امام در دست گرفتند.

آقای میلانی که پیشینه مرجعیتش به قبل از زمان مرجعیت امام می‌رسید، به شدت مبلغ امام بود و حتی گاه و بیگاه در اعیاد، رساله ایشان را به عنوان عیدی به دیگران می‌داد. برخورد آیت‌الله میلانی با رژیم بسیار تندتر از سایر مراجع بود و در این باره سیاسی‌تر و محاسبانه‌تر می‌اندیشید. همچنین عباراتی که وی در اطلاعیه‌های خویش می‌نوشت، سرشار از مفاهیم سیاسی روشن و از سر آزادی‌خواهی و قانون‌گرایی بود. در اطلاعیه‌ای که به مناسبت آمدنش به تهران صادر کرد، آمده است: «... به تهران آمدم تا به دنیا اعلام کنم این قیام و نهضت به هیچ وجه صورت ارتجاعی ندارد، بلکه نهضتی است که ملتی مسلمان برای مقابله حکومت‌های جابرانه با پیشوایی مقامات عالیه روحانی تعقیب می‌کند. هدف ملت مسلمان این است که بیش از این به مصالح دنیایی و دینی آنان تجاوز نشود. باید حکومت مردم را به مردم سپرد و حق مردم را باید به خودشان واگذار کرد. قانون باید حکومت کند نه فرد و در هیچ آئینی افراد حق ندارند و به میل خود قانون وضع کنند».



علاقه وی به امام و حساسیت او روی فشاری که به امام وارد کرده بودند، برای همه مشهود بود. موقعیت آیت‌الله میلانی تا به آن پایه بود که شیخ شلتوت، با وی اظهار همدردی کرد و ایشان هم نامه مفصلی در شرح اوضاع ایران برای وی نوشت. از مجموعه اسناد برجای مانده از ایشان، ارتباط نیرومند او با آیت‌الله قاضی طباطبایی در تبریز، آیت‌الله خادمی در اصفهان، آیت‌الله محمدتقی آملی در تهران، آیت‌الله خویی در نجف و بسیاری از اعلام دیگر، برای ایجاد هماهنگی به دست می‌آید. یکبار هم ایشان با شنیدن این که آیت‌الله شریعتمداری نامه مشترک علما را امضا نکرده است، با نوشتن نامه‌ای به ایشان، از خطراتی که به خاطر تفرقه همه را تهدید می‌کند، یاد کرد. آقای شریعتمداری شرح مفصلی درباره علت عدم امضای خود برای ایشان نوشت. در همین نامه، شرحی هم درباره تأسیس دارالتبلیغ برای آیت‌الله میلانی نوشته که آن هم به دلیل استفسار آیت‌الله میلانی بوده است.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۴۸۹/آیت-الله-میلانی-جهت-شناسید-جهت-آیت-الله-۲۹۴۸۹>